

Technology and Scholarship in Education

Open
Access

ORIGINAL ARTICLE

Identifying the categories of shyness as one of the factors of students' academic disorder during virtual education

Kasra Karimi baseri^{1*}, Jaber Eftekhari², Somayeh Tavakoli³

¹ Master of Comparative Education, Department of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran..

² Phd. Student in Philosophy of Education, Department of Education and Psychology Sciences, Isfahan University, Isfahan, Iran..

³ Bachelor of Educational Sciences, Department of Psychology and Educational Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Correspondence

Kasra Karimi Baseri

Email: kasrakarimi025@gmail.com

How to cite

Karimi baseri, K., Eftekhari, J. & Tavakoli, S. (2023). Identifying the categories of hypocrisy as one of the factors of students' academic disorder during virtual education. *Technology and Scholarship in Education* 3(3), 15-24.

ABSTRACT

Shyness is a social emotion that originates from the feeling of self-inferiority and in some cases it becomes so intense that it affects person's personality. This research aimed to study shyness as one of the students' academic disorder during virtual education and was done by narrative research method. The scope of the research was 14 teachers who had shy students and the method of data collection was autobiography and teachers' narratives. The data were analyzed through three stages of open, central and selective coding. The findings showed that four key factors have played an effective role in students' shyness during virtual education. They are Individual, social, family, and school factors. Among the most important components are lack of persuasion of students in school, weak human relations, lack of recognition of students' needs, lack of planning, teachers' inexperience, teachers' lack of familiarity with psychology, weak social relations in the school, weak communication between the school and the families, lack of a comprehensive needs assessment plan, competitive atmosphere, violence in the schools, teachers and school parents' unkindness, removal of affection and replacing power and independence, weak and inappropriate interactions, lack of dialogue, lack of media and multimedia education, lack of interaction between parents and teachers, lack of participation in the parents' association, distance of students from the society, and limitation in using the facilities and means of mass communication and receiving messages. Based on this, in order to eliminate shyness and build self-confidence, students' needs should be assessed and based on that, steps should be taken to solve the students' academic problem.

KEYWORDS

Shyness, Seclusion, Virtual education, Narrative research.

© 2023, by the author(s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

<https://t-edu.journals.pnu.ac.ir/>

نشریه علمی

فناوری و دانش پژوهی در تعلیم و تربیت

«مقاله پژوهشی»

شناسایی مقوله‌های کم‌رویی به‌عنوان یکی از عوامل اختلال تحصیلی دانش‌آموزان در دوران آموزش مجازی

کسری کریمی باصری^{۱*}، جابر افتخاری^۲، سمیه توکلی^۳

چکیده

کم‌رویی یک عاطفه‌ی اجتماعی است که از احساس خودکم‌بینی سرچشمه می‌گیرد و در بعضی موارد آن قدر شدت می‌یابد که تمامی شخصیت فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این پژوهش با هدف بررسی کم‌رویی به‌عنوان یکی از اختلالات تحصیلی دوران آموزش مجازی و با روش روایت‌پژوهی انجام شد. قلمرو پژوهش ۱۴ معلم دارای دانش‌آموز کم‌رو و روش جمع‌آوری اطلاعات، خود شرح‌حال‌نویسی و روایت‌های معلمان بود. داده‌ها طی سه مرحله‌ی کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که چهار عامل محوری در کم‌رویی دانش‌آموزان در دوران آموزش مجازی نقش مؤثری ایفا نموده است. این چهار عامل عبارت‌اند از: عامل فردی، اجتماعی، خانواده و مدرسه. از مهم‌ترین مؤلفه‌ها نیز می‌توان به عدم اقتناع دانش‌آموزان در مدرسه، روابط انسانی ضعیف، عدم تشخیص نیاز دانش‌آموزان، بی‌برنامگی، بی‌تجربگی معلمان، عدم آشنایی معلمان با علم روان‌شناسی، روابط اجتماعی ضعیف در مدرسه، ارتباط ضعیف مدرسه با خانواده‌ها، نبود طرح جامع نیازسنجی، فضای رقابتی، خشونت در مدارس، بی‌مهری معلمان و اولیای مدارس، حذف محبت و جایگزین نمودن عامل قدرت و استقلال‌طلبی، تعاملات ضعیف و نامناسب، عدم گفت‌وگو، فقدان آموزش رسانه‌ای و چندرسانه‌ای، عدم تعامل والدین با اولیای مدرسه، عدم شرکت در انجمن اولیا، دور بودن دانش‌آموزان از جامعه و محدودیت در استفاده از امکانات و وسایل ارتباط جمعی و دریافت پیام اشاره نمود. بر این اساس برای رفع کم‌رویی و ایجاد اعتمادبه‌نفس بایستی از دانش‌آموزان نیازسنجی به عمل آورد و بر مبنای آن در جهت رفع معضلات تحصیلی دانش‌آموزان گام برداشت.

واژه‌های کلیدی

کم‌رویی، گوشه‌گیری، آموزش مجازی، روایت‌پژوهی.

^۱ کارشناسی ارشد آموزش و پرورش تطبیقی، گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
^۲ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
^۳ کارشناسی علوم تربیتی، گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، ایران.

نویسنده مسئول:

کسری کریمی باصری

رایانامه: kasrakerimi025@gmail.com

استناد به این مقاله:

کریمی باصری، کسری، افتخاری، جابر و توکلی، سمیه (۱۴۰۲)، شناسایی مقوله‌های کم‌رویی به‌عنوان یکی از عوامل اختلال تحصیلی دانش‌آموزان در دوران آموزش مجازی. فصلنامه فناوری و دانش‌پژوهی در تعلیم و تربیت، ۳(۳)، ۱۵-۲۴.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل پیرامون مدیریت فضای مجازی، مسئله تعلیم و تربیت است. اگر جامعه‌ای نیازمند نیرویی توانمند برای احیا و ساختن آینده کشور باشد؛ باید آموزش‌های همه‌جانبه متناسب با شرایط روز دنیا ارائه نماید. مسئله قابل تأمل اینجا است که تقابل شیوه سنتی آموزش با روش آموزش مجازی موجب تغییر پیامدهای آموزشی در یادگیرندگان شده است. فرهنگ تازه یادگیری بدون حضور استاد، به راحتی نمی‌تواند جای خود را بیابد، در نتیجه محیط جدید آموزش و یادگیری را با چالش‌هایی همراه می‌سازد. حرکت به سوی این شیوه نوین در آموزش مدارس، موجب شده است تعداد زیادی از مدارس جهان به‌طور روزافزون، در ارائه آموزش‌های متنوع از آن استفاده کنند، اما بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند آموزش مجازی نتوانسته است تمامی اهداف اساسی تعلیم و تربیت نظیر رشد تفکر خلاق، تعهد و مسئولیت‌پذیری، خطرپذیری علمی و مواردی از این نوع را محقق سازد. در بخشی از سخنان توماس داسر آمده است، اگر روزی قرار باشد از انبوه نتایج تحقیقات موجود بیاموزیم و یافته‌هایشان را پذیرفته و به کار گیریم، باید نوید بهبود فرایند تعلیم و تربیت از طریق فناوری آموزشی را فراموش کنیم و جا دارد به‌خاطر این واقعیت اثبات شده که همان کیفیت را می‌توان از طریق کلاس‌های سنتی به دست آورد، جشن بگیریم (قرلسفلی، ناروئی و ممشلی، ۲۰۲۴).

وانگهی موفقیت نظام آموزشی و تعلیم و تربیت همواره تحت تأثیر موانع و اختلالاتی بوده و است. یک برنامه درسی و آموزشی به‌درستی طراحی، تهیه و اجرا می‌شود؛ اما در کسب و اخذ آن موفقیت مطلوب و مورد نظر رخ نمی‌دهد. عوامل متعددی می‌تواند در این باب اثرگذار باشد؛ لذا نظام آموزشی همان‌طوری که نیازمند معمار و طراح است به روان‌شناس و طبیب نیز نیاز دارد. طبعاً معلم موفق معلمی است که بتواند روان‌شناس خوبی باشد و علل و عوامل مشکلات را دریابد و برای رفع آن چاره‌جویی نماید. از جمله این اختلالات که نقش بسزایی در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دارد، کم‌رویی است. کم‌رویی در اغلب مواقع پایدار و باثبات نخواهد بود و زودگذر و موقتی خواهد بود؛ اما در مورد کودکانی که به‌نوعی در ارتباط با مردمان دیگر، شرایط اجتماعی و دیگر جوانب مهم زندگی تداخل و تعارض ایجاد می‌کند، یک مشکل و معضل خواهد بود (بات، موسی، اجمل و رحمان، ۲۰۱۱). از این‌رو کم‌رویی اصطلاحی در حیطه روان‌شناسی اجتماعی برای توصیف دلهره، عدم آسایش و ناراحتی از حضور در

کنار دیگران به‌خصوص در شرایط جدید با افراد ناآشناست (براتی، کاظمی کیله‌گلان، پارسافر، جلیلیان، افشاری، ۲۰۲۰). به این صورت که مشکلاتی مانند عدم اعتماد به نفس، اضطراب اجتماعی، نداشتن مهارت‌های اجتماعی و عدم سازگاری با جمع را در پی دارد و ممکن است از عوامل ژنتیکی، محیطی و تجربیات شخصی نشئت گرفته باشد (گوادانی، برلز، فرارا، لاریا، ۲۰۱۶).

کم‌رویی مشکلی است که از گذشته تاکنون به جهات بسیار مختلف دامن‌گیر افراد مختلف بوده و هست. این مشکل به دلایل متعدد مورد توجه قرار نگرفته است و عامه مردم کمتر از آن به‌عنوان یک معضل و مشکل یاد می‌کنند، غافل از اینکه انزوای طلبی و کم‌رویی در بطن جامعه، فرد را با مشکلات زیادی اعم از عدم توانایی ایجاد رابطه با دیگران و به تبع آن ناتوانی در یادگیری و کسب آگاهی‌ها و مهارت‌های مختلف مواجه می‌کند. شاید از دلایلی که والدین و حتی معلمان مدارس به این مشکل توجه نمی‌کنند برداشت غلطی است که از عملکرد افراد خجالتی دارند. این باور نادرست که کودک کم‌رو مؤدب است، در دسر ایجاد نمی‌کند و تربیت او راحت‌تر است، موجب متقاعد شدن والدین شده که کم‌رویی و گوشه‌گیری اجتماعی را به‌عنوان یک مشکل ندانسته و به این ترتیب از مشکلاتی که کودک در آینده با آن مواجه خواهد شد غافل بمانند (عطاران، ۱۳۸۳).

در این راستا پژوهش‌هایی در زمینه کم‌رویی انجام شده است. به‌عنوان مثال؛ پروین، موحدی و فرامرزی (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که بازی‌های کودکانه جسمانی به بهبود معنادار در میزان کم‌رویی شرکت‌کنندگان گروه تجربی منجر شد. درحالی‌که تغییری در نمره کم‌رویی شرکت‌کنندگان گروه کنترل در طول دوره پژوهشی مشاهده نشد. یافته‌های پژوهش حاضر به دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت یادآوری می‌کند که از بازی‌های کودکانه جسمانی می‌توان به‌عنوان روش مداخله مناسب برای بهبود کم‌رویی کودکان دبستانی استفاده کرد. پژوهش حاجلو، صبحی قراملکی و فرجیان (۱۳۹۴) نشان داد که هرچقدر کم‌رویی بالاتر باشد، احتمال ابتلا افراد به فوبی اجتماعی افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش قاسم‌زاده، افروز و تقی‌زاده (۱۳۹۲) بیانگر آن است که راهبردها و استراتژی‌هایی که در این رویکرد درمانی مورد استفاده قرار گرفته از قبیل تمرین‌های عملی مانند سخنرانی کردن در جلوی جمعی از دانش‌آموزان، ایفای نقش مانند بازی نقش برخورد با رئیس مدرسه و تکلیف‌هایی که به نوجوانان جهت انجام آنها در منازل داده می‌شد، زمینه انجام

برقراری ارتباط و تعامل دچار مشکل می‌شوند. عدم برقراری ارتباط به معنای گسستن از روابط اجتماعی و فعالیت‌های گروهی است. لذا دانش‌آموزان کمرو بزرگ‌ترین امتیاز برای زندگی در اجتماع و تبدیل شدن به یک شهروند ایده‌آل را از دست می‌دهند. از آنجایی که در مدارس نیز به این دانش‌آموزان توجهی نمی‌شود و اساساً در برنامه‌های مدارس نیز پرداختن به مشکلات و معضلاتی که در یادگیری تداخل ایجاد می‌کند و یا در اولویت نیست و یا اینکه به‌طور کلی در برنامه وجود ندارد سبب شده است تا دانش‌آموزان کمرو در تمامی حیطه‌های زندگی دچار مشکل شوند و این مشکل در آنان هیچ وقت برطرف نگردد. لذا پرداختن به این موضوع امری ضروری است که بایستی در برنامه مدارس مشکلاتی از این دست مورد بررسی و علت‌یابی قرار گیرد.

در واقع کمرویی تجربه‌ای است که در آن فرد بیش از اندازه به خود توجه می‌کند و همواره ارزیابی‌های منفی از خود به عمل می‌آورد تا حدی که این حالت‌ها برای فرد کمرو، باعث ایجاد ناراحتی، جلوگیری از بروز احساس‌ها در موقعیت‌های اجتماعی و مانع از پیگیری هدف‌های بین فردی و شغلی می‌شود. کمرویی دربرگیرنده مؤلفه‌های رفتاری و هیجانی است؛ لذا افرادی که از نظر هیجانی کمرو هستند، در موقعیت‌های اجتماعی احساس شرمساری و خجالت دارند و درباره بازخورد دیگران نسبت به رفتارهای خود نگران هستند. همچنین رفتارهای اجتماعی افراد کمرو، بازداری شده است. در موقعیت‌های اجتماعی، گوشه‌گیر و فعل‌پذیر هستند، ساکت‌اند و مشکلاتی در برقراری ارتباط چشمی با دیگران دارند و چون افزون بر احساس کمرویی، رفتار کمرویی را نشان می‌دهند، کمرویی برای آنها به یک مشکل مضاعف تبدیل می‌شود.

مشکل کمرویی اغلب در دانش‌آموزان مشاهده می‌شود؛ اما آن‌چنان که شایسته و بایسته است مهم تلقی نمی‌شود و بدان پرداخته نمی‌شود. در این زمینه چرایی اهمیت کمرویی به این مهم برمی‌گردد که تجربه آن در میزان بالا به رشد همه‌جانبه انسان تأثیر می‌گذارد؛ به‌طوری که رهاکردن، بی‌توجهی و عدم درمان به‌موقع این مشکل روان‌شناختی می‌تواند نتایج نامطلوب اجتماعی، شناختی، هیجانی و رفتاری را در پی داشته باشد (کویتکوسکا، روگوزا و پول، ۲۰۱۹).

من نیز چندین سال دچار کمرویی بودم، از دوم ابتدایی که دچار بیماری کچلی شدم تا مقطع لیسانس که توانایی ارائه کنفرانس و صحبت در جمع را نداشتم. در مقطعی که دچار کچلی شده بودم مرتب مورد تمسخر هم‌کلاسی‌ها و حتی اعضای خانواده قرار

فعالیت‌هایی را که بسیاری از آزمودنی‌ها قبل از اجرای مداخله درمانی اجتناب می‌کردند و نمی‌توانستند در مورد میزان توانایی‌های خود در انجام آن فعالیت ارزیابی درستی داشته باشند، فراهم کرده است. غلامی توران پشته و کریم‌زاده (۱۳۸۸) در پژوهشی نشان دادند جمعاً ۴۰٪ دانشجویان شرکت‌کننده در مراکز آموزشی زبان، کمرو می‌باشند، تحلیل داده‌ها با استفاده از روش همبستگی نشان داد که بین نمره پیشرفت تحصیلی زبان انگلیسی با کمرویی و علاقمندی به زبان انگلیسی رابطه معناداری وجود دارد. تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که می‌توان از روی متغیر پیش‌بین نمره کمرویی (با ۹۹ درصد اطمینان)، متغیر ملاک (پیشرفت تحصیلی در یادگیری زبان انگلیسی) را پیش‌بینی نمود. دلاورپور و حسین‌چاری (۱۳۸۵) در پژوهشی نشان دادند که همبستگی منفی معنادار بین مهارت‌های ارتباطی و کمرویی وجود دارد. تفاوت بین دو جنس در مقیاس کمرویی معنادار بود، بدین معنا که دختران کمروتر از پسران بودند، اما در مهارت‌های ارتباطی معنادار نبود. مقایسه تفاوت‌های مهارت‌های ارتباطی در گروه کمرو و عادی نیز معنادار بود. نتایج پژوهش گوادانی، برلز، فرارا، لاریا (۲۰۱۶) نشان داد که خودانتقادی با کمرویی رابطه مثبت و معناداری دارد.

در این زمینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کمرویی می‌تواند در ذهن، بدن و خود به‌طور کلی تأثیر بگذارد؛ اگرچه معانی آن به بستر اجتماعی بستگی دارد که در آن تجربه شده است (اسچیلاری، ۱۳۹۱). بررسی‌های تخصصی نشان از این امر دارد که علی‌رغم زیاد شدن محرک‌های محیطی برای کودکان در دنیای امروز، یکی از معضلات روان‌شناختی برای متخصصان روان‌شناسی، مسأله کمرویی کودکان است. در حقیقت، این مشکل زمانی از اهمیت زیادتری برخوردار می‌شود که کودک به محیط آموزش اجباری مدرسه وارد می‌شود (بلوت، میرس، دن باس، وستنبرگ، ۲۰۱۹). در هر جامعه‌ای، درصد قابل توجهی از کودکان، نوجوانان و بزرگسالان با این اختلال رفتاری و بازدارنده رشد شخصیت اجتماعی مواجه هستند و در بسیاری از مواقع، کمرویی اصلی‌ترین مانع شکوفایی قابلیت‌ها، خلاقیت‌ها و ایفای مسئولیت‌ها است (ویلسون و هندرسون، ۲۰۲۰).

عوامل متعددی سبب کمرویی می‌گردد. خانواده به‌عنوان اولین کانون اجتماعی و چگونگی روش‌های تربیت والدین یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد فرزندان به‌ویژه رشد روانی آن‌هاست (افروز، ۱۳۷۶). لذا خانواده نقش بسزایی در رشد و موفقیت دانش‌آموزان را داراست. کودکانی که بر هر دلیلی دچار کمرویی می‌شوند در

روش فهم تجربه، متضمن همکاری بین محقق و مشارکت کنندگان در تحقیق است. این مشارکت در طی زمان و در یک مکان یا مکان‌های مختلف و در تعامل اجتماعی با محیط صورت می‌گیرد. محقق در محیط تجربه و میان آن وارد می‌شود و با همان روحیه جلو می‌رود و مانند راوی زندگی مجدد می‌کند و قصه او را بازگویی می‌کند. حکایت تجربه‌هایی که زندگی مردم را به لحاظ فردی و اجتماعی می‌سازد (چس^۴، ۲۰۱۱).

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، خودشرح حال نویسی و روایت است. سؤالات مصاحبه روایی به گونه‌ای تنظیم شدند تا معلمان تشویق به گزارش‌دهی از تجارب سودمند و ارزشمند خود بشوند. روش نمونه‌گیری نیز به صورت نمونه‌گیری هدفمند بود به این صورت که معلمان دارای دانش آموز کم‌رو انتخاب شد تا بیشترین و بهترین اطلاعات را در اختیار پژوهشگر قرار دهند. پس از انجام مصاحبه روایی، روایت‌های به دست آمده بر مبنای سه عنصر زمان، مکان و تعاملات بازنویسی مجدد شد و در اختیار معلمان قرار داده شد و موارد سوءبرداشت، تصحیح گردید. بدین ترتیب اعتبار داده‌های تحقیق از طریق چک کردن مشارکت‌کننده سنجیده شد. در این زمینه لینکن و گیوبا^۵ (۱۹۸۵) روش کنترل اعضا را به عنوان یکی از راه‌های اعتمادسازی پژوهش‌های کیفی معرفی کرده‌اند. سؤالاتی که در مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بیان گردید عبارت‌اند از: «به چه دانش‌آموزی برچسب کم‌رو بودن را می‌توان زد؟ بارزترین ویژگی دانش‌آموزان کم‌رو چیست؟ نقش خانواده در کم‌رویی به چه اندازه مؤثر است؟ نقش مدرسه در کم‌رویی به چه اندازه مؤثر است؟ مشکل اصلی و اساسی در کم‌رویی کدام‌اند».

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها بدین صورت بود که در مرحله نخست تحلیل روایتی انجام داده شد. در بخش نخست روایت‌های نویسنده از کم‌رویی در محیط‌های مختلف زندگی از جمله در خانواده، مدرسه و اجتماع و روایت‌های پراکنده معلمان در قالب یک روایت کامل بیان گردید و در گام دوم مصاحبه‌های روایتی معلمان از کم‌رویی تحلیل شد. انجام مصاحبه با ۱۲ نفر تا رسیدن به اشباع داده صورت پذیرفت. برای تحلیل مفاهیم و جملات کلیدی از روایت و مصاحبه‌های به عمل آمده استخراج گردید. در مرحله بعد روایت‌ها به وسیله کدگذاری باز، انتخابی و محوری سازمان داده شدند. فرایند بررسی داده‌ها و کدگذاری تا زمانی ادامه یافت که یافته جدیدی به یافته‌های پیشین اضافه نگردید.

می‌گرفتم. هر روز در مدرسه شعر جدید برای کچلی من درست می‌شد و بچه‌ها با شور و ذوق می‌خواندند. برای پوشاندن کچلی خود و آثار نامطلوب بیماری مجبور به استفاده از کلاه بودم. اما استفاده از کلاه معضلات کچلی را بیشتر می‌کرد. بچه‌ها در فرصتی خاص کلاه را از سرم برمی‌داشتند و همیشه دچار این تنش بودم که سر کلاس و در حیاط مدرسه کلاهم را بردارند و با آن بازی نکنند. این موضوع باعث می‌شد تا در آخر کلاس و در گوشه‌ای بنشینم که دسترسی بچه‌ها به من هنگام تدریس کمتر شود. برای فرار از این مشکل معضلات دیگری برایم به وجود می‌آمد، نمی‌توانستم تابلو را ببینم یا صحبت‌های معلم را به درستی بشنوم. سال‌های بعد علی‌رغم اینکه کچلی من برطرف شده بود؛ اما کماکان برچسب مریض و کچل را با خود حمل می‌کردم. این برچسب سبب می‌شد تا حس کنم هنوز ناقل بیماری هستم و احتمال بازگشت کچلی در من وجود دارد. این موضوع تبدیل به فوبیا شد. بیشتر شب‌ها خواب می‌دیدم کچل شده‌ام. این موارد در من استرس و دلواپسی بسیار شدیدی به وجود می‌آورد. از آنجایی که معضلاتی از این دست همواره در نظام آموزشی وجود داشته، دارد و خواهد داشت بر آن شدم تا به بررسی و تبیین این موضوع بر مبنای آنچه که طی این سال‌ها تجربه کردم، بپردازم؛ لذا هدف اصلی این پژوهش بررسی معضل کم‌رویی در بین دانش‌آموزان به عنوان یک معضل و اختلال در فرایند یاددهی-یادگیری است؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهش این است که کم‌رویی چگونه در دوران آموزش مجازی می‌تواند یادگیری دانش‌آموز را تحت تأثیر قرار دهد؟

روش تحقیق

این پژوهش از نظر نوع تحقیق کاربردی و از نظر روش پژوهش، کیفی است. در تحقیق کیفی از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود. روش استفاده شده در این تحقیق، تحلیل روایی است. ابزار پژوهش در این نوع تحقیق شامل داستان، شرح حال، مصاحبه، داستان‌های خانوادگی و تجارب زندگی باشد (دلورپور و حسین‌چاری، ۱۳۸۵). به باور پل کینگ هون^۱ (۲۰۰۷) تحقیق روایی درباره فهم مردم از موقعیت، دیگران و خودشان بحث می‌کند (لیچمن^۲، ۲۰۰۶).

استفاده از پژوهش روایی انتخاب دیدگاه خاصی درباره تجربه همچون پدیده‌ای قابل مطالعه است. کلندینین و کانلی^۳ براساس نظریه دیویی درباره تجربه پژوهش روایی را این گونه تعریف می‌کنند:

4. Chas
5. Lincoln & Guba

1. Paul King Hoon
2. Litchman
3. Clandinin & Connelly

بیشتر می‌کند و امکان نظارت را کاهش می‌دهد. رایانه و امکاناتی از این قبیل در انحصار او درمی‌آیند و سایر اعضای خانواده باید با او هماهنگ شوند. همه این آسیب‌ها نشانه خطرناک بودن مسئله فضای مجازی هستند. این واقعیت قابل حذف یا انکاری نیست و باید به‌جای تقابل با آن، با آن تعامل کرد. در این زمینه پژوهشگر بر مبنای روش پژوهش روایتی و تحلیل شرح و حال و روایت نتایج را بررسی کرده است. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل روایت‌ها و مصاحبه‌ها در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

یافته‌ها

فضای مجازی و تکنولوژی‌های نوین توازن قدرت را در خانواده و مدرسه تا حدودی به هم زده است. ما با نسلی مواجهیم که از کودکی با این تکنولوژی بزرگ می‌شود و رفته‌رفته اطلاعات و تسلط بیشتری نسبت به نسل حاضر می‌یابد. نوجوان در بسیاری از خانواده‌ها متخصص امور رایانه و فضای مجازی می‌شود و بقیه باید از او کمک فنی بگیرند. این مهارت، زمینه را برای دور زدن والدین

کدهای باز	کدهای انتخابی (گزینشی)
عوامل فردی	ترس، اضطراب، روان‌پریشی، فوبیا، دوگانگی و چندگانگی در پذیرش نقش، تضاد شخصیتی، دوگانگی در انجام وظایف، خودکوبی‌های منفی، اضطراب ذهنی زیاد، برانگیختگی فیزیولوژیکی، اجتناب دیداری، ناتوانی در برقراری ارتباط چشمی، خودتوجهی فوق‌العاده، احساس تنهایی شدید، کمبود وقت دائمی، عدم مهارت گوش‌دادن فعال، ناتوانی در ابراز صحیح احساسات خویش، عدم توانایی در درک پیام‌ها، عدم توانایی انتقال پیام، عدم توانایی در کشف معنای حقیقی پیام کلامی و غیر کلامی، عدم قاطعیت در رفتارها، منفعل بودن و عدم فعال‌بودن، ناتوانی در دفاع از عقاید، پافشاری بر دیدگاه‌های منطقی و معقول خویش، بی‌دست‌وپا بودن، عدم فعالیت.
عوامل مدرسه‌ای	عدم اقتناع در مدرسه، روابط انسانی ضعیف در مدرسه، عدم تشخیص نیاز دانش‌آموزان توسط مدرسه، بی‌برنامگی، بی‌تجربگی معلمان، معلمان ناروان‌شناس، ارتباط ضعیف مدرسه با خانواده‌ها، نبود طرح جامع نیازسنجی در مدرسه، فضای رقابتی مدارس، خشونت در مدارس، بی‌مهری معلمان و اولیای مدارس، قدرت و استقلال‌طلبی در مدارس، نادیده‌گرفتن توسط هم‌کلاسی‌ها، فقدان آموزش رسانه‌ای و چندرسانه‌ای.
عوامل خانوادگی	تعاملات ضعیف و نامناسب، عدم اقتناع و گفت‌وگو، عدم تعامل والدین با اولیای مدرسه، عدم شرکت در انجمن اولیا، محدودیت استفاده از امکانات و وسایل ارتباط جمعی.
عوامل اجتماعی	رقابت ناصحیح، درگیری لفظی میان دانش‌آموزان، رقابت‌های درسی ناسالم بین دانش‌آموزان، تمسخر دانش‌آموزان کم‌رو، عدم برگزاری برنامه‌های فوق تربیتی، شیوه تربیتی ناصحیح، تمایل به تنبیه بدنی، پایین‌بودن سطح آگاهی عمومی، گریزان بودن از افراد ناآشنا، ارتباط اجتماعی ضعیف، انزوای اجتماعی، رفتار ناشیانه در اجتماع، مهارت‌های ارتباطی - تعاملی نامناسب، مهارت گفت‌وگوشنود ضعیف، عدم مشارکت، دور بودن دانش‌آموزان از جامعه

عامل فردی

مطالعات نشان می‌دهند که معلمان که از اعتماد به نفس کافی محرومند برای کنترل دانش‌آموزان اداره کلاس و انتقال مفاهیم از روش‌های نامعقول توأم با سختگیری‌های بی‌جا و شیوه‌های تنبیهی بیشتر سود می‌جویند. مطلب دیگر آن است که در محیط تعلیم و تربیت رفتارها و برخوردها، تعامل افراد باید به‌گونه‌ای باشند که عزت نفس دانش‌آموزان را بیش از هر چیز مورد توجه قرار دهند و محتوای درس‌ها و برنامه‌های آموزشی و پرورشی طرح‌ریزی شده برای آنها در راستای افزایش توانایی ابراز وجود و اعتماد به نفس آنها باشد تا نسل آینده جوانان پویا، پرسشگر، پژوهشگر، فعال و مسئولیت‌پذیر بارآیند. افرادی که دچار کم‌رویی هستند در برقراری روابط انسانی مطلوب دچار تنش هستند؛ چراکه توانایی برقراری

تماس چشمی که نقش مهمی در روابط دارد را ندارند و از نگاه کردن به صورت افراد و چهره آنان خجالت می‌کشند. این افراد همواره خود را ضعیف‌تر از دیگران می‌بینند و در گوش‌دادن فعال دچار مشکل هستند و از طرفی به درستی نمی‌توانند نظرات و عقاید به حق خود را به طرف مقابل انتقال دهند. افراد کم‌رو توانایی کنترل احساسات خود را ندارند، بر اثر برجسب‌هایی که دریافت می‌کنند، بسیار شکننده می‌شوند، این افراد اغلب در معرض سوءاستفاده قرار می‌گیرند. عزت نفس پایینی دارند و در گروه همسالان از جایگاه نازل و پایینی برخوردارند و در خدمت گروه همسالان هستند. اینگونه افراد توانایی نه گفتن را ندارند و با اولین توجه جذب افراد می‌شوند و به خواسته‌های آنان تن می‌دهند (کیانی چلمردی، اسدی شیشه‌گران، اسماعیلی قاضی ولویی و زوار، ۱۳۹۵).

ساختار مدرسه

بعضی معلمان شرایطی را فراهم می‌سازند که گوشه‌گیر می‌شوند. بدین صورت که آنها فضای شاد و آزادی را فراهم نمی‌کنند و به جای آن فضای خسته‌کننده و ترس‌آوری را به وجود می‌آورد. گاهی حتی دانش‌آموزان کم‌رو به‌عنوان الگو برای کلاس و مدرسه معرفی می‌شوند. زیرا معلم رفتار آرام همراه با سکوت مضطربانه را به‌عنوان یک صفت مثبت تلقی می‌کنند و بهترین نمرات انضباطی را به معلولین اجتماعی (افراد کم‌رو) می‌دهد؛ بنابراین مدرسه به‌عنوان دومین پایگاه اجتماعی بعد از خانواده در تقویت کم‌رویی یا برعکس پرورش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی مؤثر است (حسین‌چاری و دلاورپور، ۱۳۸۵).

این بیماری باعث شد تا مورد تمسخر دیگران قرار گیرم و کم‌کم از دوستان و هم‌کلاسی‌هایم فاصله بگیرم و در حقیقت من منزوی شده بودم و حتی آن‌قدر کم‌رو و خجالتی بودم که نمی‌توانستم که اگر جایی از درس را نفهمیده بودم از معلم خود بپرسم. نسبت‌دادن القاب زشت از سوی دانش‌آموزان به من نیز عاملی دیگر در این زمینه شده بود و حتی هیچ یک از دانش‌آموزان حاضر به نشستن در کلاس کنار من بر روی یک نیمکت نمی‌شد و این موارد من را آزرده و رفته‌رفته به سمت کم‌رویی پیش می‌برد و همیشه خداخدا می‌کردم که معلم از من سؤال نپرسد یا اینکه جلوی کلاس نبرد. آسیب خجالتی و کم‌رویی و منزوی شدن من را هیچ‌کس نتوانست مداوا کند؛ چون اصلاً کسی متوجه من نبود نه خانواده و نه معلمان... روزی را به یاد می‌آورم که استاد از من سؤال پرسید؛ ولی من نتوانستم به‌صورت کامل جواب بدهم که این باعث شد بعضی از دوستان از من بخندند و بعضی‌ها هم نسبت به من نگاه ترحم‌آمیز داشته باشند؛ ولی خودم می‌دانستم که کم‌رویی در من نهادینه شده و باید کاری کرد.

ساختار خانواده

خانواده بیشترین تاثیر را در رشد مطلوب اجتماعی و یا به وجود آمدن کم‌رویی کودکان می‌تواند داشته باشد. زمانی که الگوهای بزرگسال مثل والدین، خودشان عموماً مضطرب بوده از مهارت برقراری روابط عاطفی-اجتماعی مطلوب و خوشایند با دیگران به ویژه با فرزندان خود بی‌بهره باشند، بدون شک طبیعی است که فرزندان این خانواده بیاموزند که کم‌رو باشند، به همین دلیل بعضی از روان‌شناسان مثل واتسون کم‌رویی کودکان را در نتیجه یادگیری و تقویت آن در خانه و مدرسه می‌داند. کمال‌جویی و آرمان‌گرایی فوق‌العاده والدین و انتظارات نامعقول آنان از فرزندان در شرایط

از عوامل بیرونی که در تقویت عزت نفس کودکان تأثیر فراوانی دارد ارتباط با گروه و تعامل با افرادی است که از اهمیت بیشتری نزد کودکان و نوجوانان برخوردارند؛ بنابراین اعطای فرصت‌های لازم به دانش‌آموزان برای رشد در کنار گروه همسالان و استفاده از فرصت‌های موجود در اجتماع و در اختیار قرار دادن الگوهای مناسب و گذراندن اوقات فراغت به‌نحوی سازنده و برخوردار از رسانه‌های جمعی که نیازهای این طبقه را به‌نحو مناسب پاسخ‌گو باشد از دیگر ابزارهای اجتماعی رشد اعتماد به نفس محسوب می‌شود، اما در عین حال موارد ذکر شده که در ساخت و افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان نقش اساسی دارد نباید فراموش کرد تأثیر انگیزه‌های درونی مهم‌تر از این موارد است و هرگز نباید خللی در اعتماد به نفس ما ایجاد کند. کودکان و نوجوانان باید درک کنند که در مقابل بسیاری از عوامل بیرونی نقش انتخاب دارند و بهداشت روانی آنها در گرو ظرفیت و توان روانی است که در مقابله با حوادث از خود نشان می‌دهند. افراد کم‌رو از حرف‌زدن در جمع وحشت دارند. از شوخی‌کردن با دیگران پرهیز می‌کنند و دوری و گوشه‌گیری از مردم را ترجیح می‌دهند. فرد کم‌رو اگر شاهد مشاجره و داد و فریاد دو نفر باشد، مضطرب می‌شود و یا ممکن است به‌واسطه ترس و هیجان زیاد حق را به فرد قوی‌تر بدهد. چنین افرادی معمولاً جرئت شرکت در امتحانات شفاهی، سمینارها، کنفرانس‌ها و بحث‌های کلاسی را ندارند (کلندینین و کانلی، ۲۰۰۰).

در دوران تحصیل دانشگاه در رشته آموزش زبان انگلیسی در روزهایی که گفت و شنود داشتیم روزهای بسیار سختی برای من بود چرا که مجبور به حرف‌زدن در جلوی جمع بودم و این من را به شدت اذیت می‌کرد و باید راهی پیدا می‌کردم یا گریز یا تسلیم؟ اگر گریز بود استاد به من نمره نمی‌داد و در آن کتاب رد می‌شدم؛ ولی من باید صحبت می‌کردم؛ چون تازه ترم یک شروع شده بود و من باید در طول ۴ چهار ترم این کتاب را به‌صورت متوالی پاس می‌کردم. رفته‌رفته کلاس‌های دانشگاه به میان‌ترم نزدیک می‌شد که یکی از اساتید همه را مجبور به ارائه کنفرانس کرد و من سردرگم بودم تا اینکه به ذهنم رسید که از دانشگاه انصراف بدهم و به خدمت مقدس سربازی بروم و این تصمیم خودم را با یکی از اساتید در میان گذاشتم که علت این مورد یکی عدم دانش کافی و دیگری عدم اعتماد به نفس در من بود که تصمیم خود را به جدیت گرفته بودم؛ ولی استاد من را با روشنگری و دادن امید همراه با ارائه راهکار مؤثر من را از انجام این کار منع کرد، ولی زمان بر و وقت‌گیر بود. البته من دانش خود را در زمینه تحصیلی روزبه‌روز بهتر و شاهد پیشرفت خودم بودم.

راهکار مؤثری برای حل آن به ذهنم نمی‌رسید و این موارد را درون خودم می‌ریختم و از گفتن آن به دیگران خجالت می‌کشیدم که شاید حداقل مؤثر واقع شود. در بعضی از دروس مثل تمرین معلمی ما باید ارائه درس می‌دایم و این کار براساس حروف الفبا بود تا اینکه روز موعود فرا رسید. هیچ وقت آن لحظه‌های ابتدایی تدریس یادم نمی‌رود. در دقایق ابتدای شروع تدریس احساس سنگینی بر روی زبانم می‌کردم و حدود سی ثانیه نتوانستم صحبت کنم و صورتم کامل خیس عرق شد و واقعا کم آوردم تا اینکه استاد کمک کرد و من ارائه کنفرانس دادم. الان که به آن واقعه نگاه می‌کنم کم‌رویی من ریشه در مسائل بزرگی دارد که والدین من به آن توجه نکرده بودند و من آنها را مقصر نمی‌دانم. شاید کم‌کاری از جانب معلم باشد چراکه والدین من در مقاطعی از سال مجبور به کوچ بودند و این معلم بود که باید شناخت کافی نسبت به دانش‌آموزان خود داشته باشد و گاهی که والدین من در دوران تحصیلی به مدرسه برای وضعیت تحصیلی مراجعه داشتند نه مدیر و نه معلم هیچ‌وقت مشکل کم‌رویی من را به آنها گوشزد نکردند چرا که خود آنها هم در شناخت این مشکل در وجود من پی نبرده بودند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش معضل کم‌رویی دانش‌آموزان را با تحلیل روایت دانش‌آموزان و معلمان مدارس مورد بررسی قرار داد. در برخورد با فضای مجازی نه باید افراط کرد، نه تفریط. فضای مجازی تیغ دولبه‌ای است که استفاده مناسب از آن باعث شکوفایی توانایی‌ها و استفاده نامناسب از آن به تعبیر رهبر معظم انقلاب، مسلخ برخی از جوانان است. با برخورد واقع‌بینانه با فضای سایبری و از جمله آموزش مجازی و کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه می‌توان به تعلیم و تربیت مناسب‌تر نسل آینده که نیازمند یاری ماست، کمک کرد. اصلی‌ترین تأثیر دنیای مجازی در آموزش را می‌توان در گسترش ارتباط دانست. رسانه‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان بسیار مهم است؛ زیرا به آنها کمک می‌کند بدون نیاز به تماس یا ارتباط فیزیکی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. از این‌رو از طریق رسانه‌های اجتماعی، دانش‌آموزان می‌توانند با یکدیگر یا دیگران دوست شوند، رابطه برقرار کنند. این همان چیزی است که ما از آن به‌عنوان شبکه یاد می‌کنیم و وجود آن بسیار ضروری است. زیرا اغلب به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا فرصت‌هایی را در مدرسه بیابند و در زمینه‌های مختلف پیشرفت کنند. تکنولوژی‌های مجازی به‌عنوان یک پدیده جهان‌شمول، امکان و فرصتی برای کاربران فراهم می‌کند که بتوانند تمام اطلاعات و خدمات مورد نیاز خود را

گوناگون و وادار کردن آنها به رفتارهای کلیشه‌ای و قالبی و عکس‌العمل‌های تصنعی در موقعیت‌های مختلف اجتماعی (در حضور مهمانان به هنگام مهمانی رفتن، در کوچه خیابان، هنگام لباس پوشیدن، غذا خوردن، صحبت کردن، راه رفتن و...) سختگیری بیش از حد بر کودکان، رفتار خصمانه و عصبی با ایشان، تحقیر و تهدیدهای ناروا و با حمایت‌های افراطی و غیر ضروری از فرزندان از اصلی‌ترین زمینه‌های رشد معیوب اجتماعی کودک در بروز کم‌رویی به‌شمار می‌آید. مشاهده دوگانگی و تعارض در رفتار الگوهای بزرگسال و ایجاد ناهماهنگی در مفاهیم اساسی شخصیت کودک، موجب کشاکش‌های درونی در نتیجه اختلال در رشد طبیعی می‌گردد، اضطراب و کم‌رویی کودک را به‌همراه خواهد داشت (پروین، موحدی و فرامرزی، ۱۳۹۴).

در یک خانواده روستایی و پرجمعیت به دنیا آمد. زندگی در روستا شرایط خاصی برای من داشت. خانواده‌ام به‌دلیل وجود دام همه‌ساله در فصل بهار مجبور به کوچ بودند و من و برادرم تنها در روستا می‌ماندیم. کمبود امکانات و نبود سایه پرمهر پدر و مادر در دوران تحصیل باعث شد که من از لحاظ آموزشی جزو نفرات برتر مدرسه بودم را دچار ضعف کند و این ضعف از آنجا شروع شد که من به بیماری کچلی از ناحیه سر مبتلا شدم و باعث شد که من تمام موهای خود را از دست دادم و این آغازی برای منزوی شدن من در کلاس درس بود.

ساختار اجتماع

کودکان کم‌رو و گوشه‌گیر معمولاً از داشتن دوست محروم هستند یا تک‌دوست بوده و بسیار به او وابسته است و به‌طور کلی از بودن در کنار هم‌سن‌وسال‌های خود لذت نمی‌برند و به فعالیت‌های گروه علاقه نشان نمی‌دهند. متأسفانه کودکان کم‌رو و کناره‌گیری معمولاً مورد توجه قرار نمی‌گیرند، علت نیز آن است که نسبت به کودکان دیگر کمتر توجه اطرافیان خود را جذب می‌کند. روابط اجتماعی این دسته از کودکان در مقایسه با همسالان در عملکردهایشان دچار کمبود و کاستی است و احتمالاً حالت‌هایی از افسردگی و ناشادی را تجربه خواهند کرد و با مشکلات آموزشی مواجه خواهند شد (عطاران، ۱۳۸۳).

زندگی روستایی که فقر و کمبود امکانات سرپای آن را گرفته بود و هیچ وسایل بهداشتی و حتی مراکز بهداشتی که در صورت بروز مشکل جسمی به آنجا مراجعه کنیم وجود نداشت.

این کنفرانس به هر صورت ارائه شد اما بازخوردی برای من داشت و آن این بود که روابط اجتماعی مؤثری در زندگی نداشتم و

ضعیف، انزوای اجتماعی، احساس تنهایی شدید، کمبود وقت دائمی، رفتار ناشایسته در اجتماع، مهارت‌های ارتباطی-تعاملی نامناسب، مهارت گفت‌وگوشنود ضعیف، عدم مهارت گوش‌دادن فعال، ناتوانی در ابراز صحیح احساسات خویش، عدم توانایی در درک پیام‌ها، عدم توانایی در انتقال پیام خود، عدم توانایی در کشف معنای حقیقی پیام کلامی و غیر کلامی، عدم قاطعیت در رفتارها، منفعل‌بودن و عدم فعال بودن، ناتوانی در دفاع از عقاید، پافشاری بر دیدگاه‌های منطقی و معقول خویش، بی‌دست و پا بودن، نادیده‌گرفتن توسط هم‌کلاسی‌ها در ساختار فردی از مهم‌ترین مقولاتی است که اغلب نادیده گرفته می‌شوند. در این راستا نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش با نتایج پژوهش حسین چاری و دلاورپور (۱۳۸۵)؛ پروین، موحدی و فرامرزی (۱۳۹۴)؛ قاسم‌زاده، افروز، و تقی‌زاده (۱۳۹۲) و غلامی توران پشتی و کریم‌زاده (۱۳۸۸) همخوانی دارد.

برای رفع کم‌رویی و ایجاد اعتماد به نفس و فعالیت در دانش‌آموزان بایستی در گام اول نیازسنجی از دانش‌آموزان به عمل آورد و بر مبنای نیازسنجی در رفع معضلات تحصیلی دانش‌آموزان گام برداشت. با توجه به شرایط کنونی جامعه و اهمیت یافتن کاربرد روش‌های مجازی در آموزش، ضرورت دارد معلمان در سیستم آموزش و یادگیری مجازی از انواع مهارت‌های برنامه درسی اعم از اهداف، محتوا، روش‌های تدریس و آموزش بهره‌مند باشند و آگاهی لازم را از چالش‌های ابزار و وسایل آموزشی و ارزشیابی دارا باشند. در پایان از محدودیت پژوهش حاضر می‌توان به عدم شناخت و آگاهی همه معلمان به اختلالات و مشکلات روانی و رفتاری دانش‌آموزان و عدم استقبال و بی‌میلی تعدادی از معلمان جهت مصاحبه با پژوهشگر اشاره نمود. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهشی دیگر با آگاهی از عوامل کم‌رویی و با استفاده از یافته‌های پژوهش حاضر به روش اقدام‌پژوهی در جهت رفع مشکلات دانش‌آموزان کم‌رو اقدام شود و با استفاده از پیش‌آزمون و پس‌آزمون تاثیر استفاده از راهکارها سنجش شود.

تشکر و قدردانی: پژوهشگران بر خود واجب می‌دانند که از تمامی اساتید و همکارانی که در انجام پژوهش حاضر همکاری کردند، نهایت تشکر و احترام خود را اعلام دارند.

تعارض منافع

تعارض منافی بین نویسندگان وجود ندارد.

هر زمان و به هر میزان که بخواهند دریافت کنند. شبکه‌های مجازی از تازه‌ترین دستاوردهای بشر و آخرین عضو خانواده تکنولوژی است که حدود چهل سال است قدم به زندگی انسان گذاشته و در عرصه‌های مختلف نقش‌آفرینی می‌کند. دنیای شبکه‌های مجازی با دنیای واقعی پیرامون ما تفاوت‌هایی دارد. در جهان مجازی انسان با سرزمینی بدون مرز مواجه می‌گردد که از فرهنگ‌های مختلف تشکیل شده است. انسان با بهره‌جستن از شبکه‌های مجازی از فراسوی مرزها با فرهنگ‌های گوناگون آشنا می‌شود. با توجه به اینکه شبکه‌های مجازی ابزاری وارداتی است به‌رغم جنبه‌های سودمند فراوان، می‌تواند بسیار آسیب‌زا نیز باشد. این آسیب‌زایی گروه‌های سنی خاصی را تهدید می‌کند که از شبکه‌های مجازی بیشتر استفاده می‌کنند؛ بنابراین، قشر نوجوان و جوان در معرض تهدیدات جدی قرار دارند. بدین ترتیب یکی از وسایلی که امروزه در فضای خانه و جامعه مشکل‌آفرینی می‌کند و حتی روابط والدین و فرزندان را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد شبکه‌های مجازی است. عوامل زیادی در پیدایش کم‌رویی مؤثرند، برخی از جنبه‌های کم‌رویی حاصل یادگیری است و زمینه‌های فرهنگی، محیط و شرایط خانوادگی و همچنین الگوهای رفتاری و اجتماعی زمینه مساعدی را برای بروز کم‌رویی ایجاد می‌کند. افراد خجالتی کیفیت ارتباطی پایین‌تری از افراد غیرخجالتی دارند. افراد کم‌رو در تعامل‌های اجتماعی و روابط بین فردی خود ناشایسته رفتار می‌کنند و به عبارت دیگر فاقد مهارت‌های اجتماعی هستند. نتایج به‌دست‌آمده بیانگر آن است در چهار محور فردی، اجتماعی، خانواده و مدرسه نقش بسزایی در کم‌رویی دانش‌آموزان دارند. مهم‌ترین کدهای به‌دست‌آمده از این چهار محور عبارت‌اند از: رقابت ناصحیح، درگیری لفظی میان دانش‌آموزان، رقابت‌های درسی ناسالم بین دانش‌آموزان، تمسخر دانش‌آموزان کم‌رو، عدم برگزاری برنامه‌های فوق تربیتی، شیوه تربیتی ناصحیح، تمایل به تنبیه بدنی، پایین‌بودن سطح آگاهی عمومی در بعد اجتماعی؛ تعاملات ضعیف و نامناسب، عدم اقناع و گفتگو، فقدان آموزش رسانه‌ای و چندرسانه‌ای، عدم تعامل والدین با اولیای مدرسه، عدم شرکت در انجمن اولیا، دور بودن دانش‌آموزان از جامعه، محدودیت در استفاده از امکانات و وسایل ارتباط جمعی و دریافت پیام، در ساختار خانواده؛ عدم فعالیت، عدم مشارکت، ترس، اضطراب، روان‌پریشی، فوبیا، دوگانگی و چندگانگی در پذیرش نقش، تضاد شخصیتی، دوگانگی در انجام وظایف، خودکویی‌های منفی، اضطراب ذهنی زیاد، برانگیختگی فیزیولوژیکی، اجتناب دیداری، ناتوانی در برقراری ارتباط چشمی، خودتوجهی فوق‌العاده، گریزان بودن از افراد ناآشنا، ارتباط اجتماعی

غلامی، مرضیه؛ پشتی، توران و کریمزاده، صمد (۱۳۸۸). رابطه کم‌رویی و پیشرفت تحصیلی در یادگیری زبان انگلیسی در دانشجویان پسر شرکت‌کننده در آموزشگاه‌های زبان کانون. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۴ (۲)، ۱۳۸۸، ۱۳۴-۱۳۶.

قاسم‌زاده، سوگند، افروز، غلامعلی و تقی‌زاده، حسین (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش گروهی خودکارآمدی بر اضطراب اجتماعی و هراس اجتماعی نوجوانان کم‌رو. همایش کنگره سراسری روان‌شناسی کودک و نوجوان.

کلینکه، کریس (۱۳۸۳). مهارت‌های زندگی: تکنیک‌های مقابله با: اضطراب، افسردگی، تنهایی، کم‌رویی، شکست و... (جلد ۱). ترجمه: شهرام محمدخانی، نشر: رسانه تخصصی.

قرلسفلی، محمد، نارویی، مهرداد و ممشلی، امیرحسین (۱۴۰۲). نقش فضای مجازی در تعلیم و تربیت فرزندان، چهارمین کنفرانس ملی مدیریت، روان‌شناسی و علوم رفتاری، تهران.

کیانی چل‌مردی، احمدرضا، اسدی شیشه‌گران، سارا، اسماعیلی قاضی ولویی، فریبا و زوار، مجید (۱۳۹۵). پیش‌بینی دل‌زدگی زناشویی بر اساس ابرازگری هیجانی و اسنادهای زناشویی در افراد متأهل مراجعه‌کننده به مراکز بهزیستی شهر اردبیل، فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره، ۱۵ (۵۹)، ۷۵-۵۹.

References

Barati M, Kazemi Kilehgolan F, Parsafar S, Jalilian F, Afshari M. (2020). Prediction of the Intention to Undergo Cosmetic Surgery Among Female Students Based on the Theory of Reasoned Action. *The American Journal of Cosmetic Surgery*, 37 (2), 75-80.

Blote, A. W., Miers, A. C., den Bos, E., & Westenberg, P. M. (2019). Negative social self-cognitions: How shyness may lead to social anxiety. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 63 (1), 9-15.

Butt, M, Moosa, S., Ajmal, M.,n Rahman, f, (2011). Effects of shyness on the self-esteem of grade female students. *International Journal of business and social Science*, 2(12),12, 150-156 .

Chas, S. (2011). Narrative inquiry: still a field in marking. In Denzin&Y.Lincoln(EDS). *The SAGE Handbook of qualitative research* (4th ed) Thousand Oaks, CA: Sage .

Clandinin ,D.J. ,& Connelly ,F.M. (2000). *Narrative inquiry: Experience and story in qualitative research*. 2000, San Francisco: Jossey-Bass.

منابع

اسچیلاری، گلن (۱۳۹۱). روش‌های مقابله با کم‌رویی، ترجمه: اشرف راضی، حسنعلی میرزاییگی. قم: نشر آینه دانش.

افروز، غلامعلی (۱۳۷۶). روان‌شناسی کم‌رویی و روش‌های درمان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

پروین، موحدی و فرامرزی (۱۳۹۴). تأثیر بازی‌های کودکانه جسمانی بر بهبود کم‌رویی دانش‌آموزان دختر دبستانی. رشد و یادگیری حرکتی- ورزشی (حرکت)، ۷ (۲)، ۱۸۷-۲۰۱.

حاجلو، نادر، صبحی قراملکی، ناصر و فرجیان، آرزو (۱۳۹۴). مدل‌یابی علی فوبی اجتماعی دانش‌آموزان براساس هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و کم‌رویی، فصلنامه روان‌شناسی مدرسه، ۴ (۳)، ۳۳-۴۶.

حسین‌چاری، مسعود و دلاوریور، محمدآقا (۱۳۸۵). آیا افراد کم‌رو فاقده مهارت‌های ارتباطی‌اند؟ فصلنامه روان‌شناسی ایرانی، ۳ (۱۰)، ۱۳۳-۱۳۵.

عطاران، محمد (۱۳۸۳). جهانی‌شدن و تأثیر آن بر اهداف تعلیم و تربیت، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی‌شدن و تعلیم‌وتربیت، دانشگاه تهران: انتشارات امور خارجه. ۱۳۸۳.

Guadagni V, Burles F, Ferrara M, Laria G. (2016). The effects of sleep deprivation on emotional empathy. *Us National Library of Medicine National Institutes of Health*, 23 (6), 657-663.

Guadagni V, Burles F, Ferrara M, Laria G. (2016). The effects of sleep deprivation on emotional empathy. *Us National Library of Medicine National Institutes of Health*, 23 (6), 2016, 657-663.

Kwiatkowska, M. M., Rogoza, R., & Poole, K. L. (2019). Exploring shy minds: Relations between shyness and creativity. *Personality and Individual Differences*, 142 (1), 249-254.

Lincoln, Y. S. & Guba, E. (1985). *Naturalistic inquiry*. Beverley Hills, CA: Sage.

Litchman, M. (2006). *Qualitative research in Education*. 2006, London: Sage.

Wilson, M., & Henderson, H. (2020). Shyness and perceived peer monitoring affect children's performance in a divided attention task. *Journal of Experimental Child Psychology*, 198 (1), 104882-104896.